

## Photographing the National Museum of Iran Houman Sadr, Iran (h.Sadr@Kanoon.net)

...Every time in history, artists have spoken of the beauty they have seen or have manifested their creativity in some form, we have been in awe of the immensity of their shared sense of beauty. The question is how and to what extent do our artists revere and pay homage to the wisdom of their predecessors.

For years the thought of gathering a collection, which truly demonstrated the essence of this country's art and architecture, was brewing inside me. It was to be a collection that not only presented the visual beauty but also the origins of the creators' thoughts. The beauty in our myths, legends and images have been more or less impressed by what has been in the past, and I hope to show how this process of imagination is crystallized in man's creative mind, thus setting the grounds for the principles of art today.

This is an effort to introduce the forerunners in the field of culture, art and philosophy; it is also an inevitable need to reach out to the legacy of history. There will often be articles covering subjects such as: vast spaces stretching from the west to the east; the crystal clear springs and the expansive mirages; or it will be a perusal of the primeval arts expanding as far as the lost horizons of the world. We shall talk of the extravagant gilded ceilings and the elegantly symmetrical mud domes of the desert; we shall glance over inlaid work and printed calico and peer into post modernism or art deco. At times we will be traversing the desert as an endless journey to taste the fountains of Caroun and Jeyhoun rivers. Sometimes it will be diving deep into the art of the Renaissance or a search for the name of an unknown flower in the plains of Fars and Azerbaijan; or it may just be a little chat with an exhausted weaver and at the same time, a conversation with Matisse and Braque. We will peek at the mysterious spaces in the narrow dusty alleyways of Rey and Kashan and a word about the glorious palaces of the world. Yet, sometimes a divine silence embraces the Splendour and the allure of all the faith and the eye for beauty hidden under the golden domes of Isfahan and Ardastan, or Florence and Milan... And at the end it is to trust the beating hearts, full of secrets, hidden in a land of heroes, who watch over Iran's blessed spirit of civilization.

برای عکاس ایجاد می کرد. تا اینکه فیلم جای شیشه را گرفت و عکاسی بسیار رواج یافت. با رواج عکاسی بحثی تازه در دنیای هنر مطرح گردید: "آیا با وجود عکاسی، نقاشی دیگر مفهومی دارد؟". این بحثی است که هم اکنون نیز میان هنرمندان جاری است. با یک کلیک در یک لحظه می توان یک تابلوی نقاشی که سه ماه کار می برد، را به تصویر کشید! در حقیقت عکاسی پرونده ی مکاتب جدید نقاشی را بست.

این شکل جدید هنری در آغاز نگاهی به پیشینه ی پرفراز و نشیب نقاشی و مجسمه سازی داشت. عکاسان می کوشیدند عکس های خود را با استفاده از فنون عکاسی شبیه نقاشی کنند. در واقع کوشش برای فراتر رفتن از هنجارهای زیبایی شناسی رایج و کشف راه های نوین بصری در دوره های بعد صورت گرفت. چگونه دیدن با اتکاء به نظرات فلسفی و جامعه شناسی بحثی نوین در عکاسی بود. عکاسی خلاف عادت نوینی در میان سایر فنون و هنرها بود. دقت در ثبت جزئیات، سرعت انجام کار، عدم ضرورت و الزام مهارت پدی در طراحی ... از ویژگی هایی بود که به عکاسی نسبت به دیگر هنرهای تصویری جلوه ای برتر می داد.

### تاریخچه ی عکاسی در ایران

به فاصله ی کوتاهی پس از اختراع عکاسی در زمان محمد شاه قاجار، اولین عکس ها در ایران توسط دیپلمات روس، نیکولای پاولف چاپ شد. شاهزاده ناصرالدین میرزای 13 ساله از اولین کسانی بود که به روش داگروتایپ عکاسی شد (1842). ناصرالدین جوان علاقه ی زیادی به نقاشی و طراحی داشت. از عکس هایی که از خارج به ایران می آوردند لذت می برد و زمانی که بر تخت سلطنت نشست یک استودیوی عکاسی در کاخ خود به راه انداخت. سفرهای وی به فرنگ هم در گسترش عکاسی در ایران تأثیر فراوان داشتند. او تجهیزات بسیاری از فرانسه به ایران آورد؛ مدرسه ی عکاسی بنیاد گذاشت، کتاب آموزش عکاسی تألیف کرد. شاه بود! مانند همه ی تغییراتی که در قرن های گذشته از بالا در کشور انجام گرفته بود، عکاسی هم توسط دربار به ایران آورده شد. ناصرالدین شاه اولین عکاس آماتور ایرانی بود و به این ترتیب توانست گنجینه ی تصویری بزرگی از عهد خود به یادگار بگذارد. همه ی ایرانیان اولین عکاس آماتور ایرانی را می شناسند.

در این دوره، آقا رضا عکاس باشی عکاس دربار شد. از تمام درباریان و فرماندهان پایتخت و بلاد دیگر عکاسی شد. در همه ی سفرها عکاس باشی همراه شاه بود و از تمام مسیر سفر عکاسی می کرد. امرای مملکتی در سفرهای خود نیز چنین مسئولیتی داشتند. از همه ی شهرها عکاسی مستند می شد. مجموعه ی این عکس ها در کتابخانه ی ملی، موزه ی کاخ گلستان و عکسخانه ی شهر گردآوری شده اند. برخی نیز هنوز در دست اشخاص باقی مانده است. در زیر همه ی عکس ها هم شرح مختصری نوشته می شد.

اما هیچکس اجازه ی ورود به حرم و عکاسی از سولگیان شاه را نداشت. این امر خطیر بر عهده ی شاه بود! وی تمام حرم را عکاسی کرد، همه ی زنان را؛ و نیز سرسره را.

ناصرالدین شاه تصمیم به گردآوری مجموعه ی کاملی عکس از سرتاسر ایران کرد. به این خاطر، با چند عکاس اروپایی و روسی عقد قرارداد بست. اما مانند دیگر امور مملکتی، این کار هم ناتمام و انجام نشده ماند. تنها تعداد معدودی عکس از تخت جمشید، فلک الافلاک، مسجد کبود، و گنبد سلطانیه گرفته شد. علاوه بر ژول ریشارد فرانسوی و عکاس باشی هم در این زمینه حرکتی کرد ولی به نتیجه نرسید. در حقیقت آنچه که باقی ماند عمدتاً محصول سفر شاه و درباریان بود که توسط عکاس باشی، شاه و یا درباریان گرفته می شد.

در ایران مدت ها از روش داگروتایپ برای عکاسی استفاده می شد که امکان تکثیر عکس ها وجود نداشت و بیشتر عکس ها در برابر نور از میان می رفتند. به ناچار عکس ها را در جلد چرمی نگه می داشتند. از آنجا که عکاسی در ایران تقریباً به روز بود، روش تالپوت و امکان